



بزرگی گوید: جوانی نشانی از غرور و قدرت است و در عین حال تسلیم محض. و از بزرگی دیگر است که: جوانی دنیای آرزو و رؤیاست و نیز دنیای ناکامی‌ها، شکست‌ها و گاه پیروزی‌هاست. این همه تضاد و تناقض در یک پیکر! در یک موجود! یک انسان! یک جوان! راستی ممکن است. راستی این جوان، جوانی که عصاره غرور و قدرت و احساس است و باز خزانه آرزو و رؤیا چگونه می‌تواند هیاهوی طوفانی و پرتلاطم زندگی ماشینی امروزه روز را هضم کند. کدام کشتی می‌تواند او را از این گرداب‌ها و سراب‌ها به ساحل آرامش برساند، سگاندار کشتی این شتاب در رفتن‌ها را چه کسی می‌تواند عهده‌دار باشد. از جوان و جوانی، نوشته‌ها و گفته‌های بسیار رفته است، بسیار قلم زده‌اند و بسیار هم نظر داده‌اند و این بار برخلاف روال معمول، ما بر آن شدیم با حضور در میان جوانان جامعه، از قشرها و طبقات مختلف و در گفتگوهای صمیمی و خودمانی گفتنی‌ها و شنیدنی‌ها را از زبان خود آنان بازگویم. آنچه با این جوانان در میان گذاشتیم، عبارت بود از:

جوان از نگاه جوان، تلقی جوان از دین، نوع نگرش و تلقی جوان از روحانیت و در نهایت انتظار جوانان از روحانیت، امید که مقبول و منظور نظر افتد.

حسن هدایتی یک جوان دیپلمه پشت‌کنکوری است و در یکی از کتابخانه‌های عمومی مشهد، خود را برای شرکت در این رقابت سرنوشت آماده می‌کند، کنارش می‌نشینم و موضوع گزارش را برایش توضیح می‌دهم. وارد یک گفتگوی کوتاه می‌شویم.

نگرش جوان به دین و روحانیت

● گزارش از: احمد رضا مهرپرور

● به نظر شما جوان به چه کسی گفته می‌شود و چه ویژگی‌هایی دارد؟
اصولاً جوان کسی است که در یک مرحله حساس از زندگی قرار دارد و نیازمند توجه است که متأسفانه این سن و قشر امروزه مظلوم واقع شده‌است.

● توضیح دهید مرادتان از مظلومیت جوان چیست؟
ببینید، جوان امروز از یک سو تحت فشار خانواده و جو روانی جامعه است که وارد دانشگاه یا بازار کار شده، از سویی نیز برای این کار محدودیت‌های گسترده‌ای وجود دارد و حاصل آن ناراحتی‌های روحی - روانی است که با آن مواجه می‌شود و گاه حتی متجربه بزهکاری‌ها، خودکشی‌ها و ... می‌شود.

● به نظر شما در این بحران‌های روحی، دین چه نقشی می‌تواند داشته باشد؟ البته دین نقش ویژه‌ای در زندگی انسان دارد. با اعتقاد به خدا و خودشناسی، بسیاری از مسائل را به راحتی می‌شود حل



کرد و ضریب خطاهای فاحش در بحران‌های روحی را کاهش داد و با افزایش امید و ایمان بر مشکلات فائق آمد.

● روحانیون چه نقشی در ارتباط دین و جوان می‌توانند داشته باشند؟



به نظر من معرفی صحیح و اصولی برنامه‌های دین برای تمام ابعاد زندگی خصوصاً زندگی پرتلاطم نسل جوان وظیفه روحانی‌هاست که متأسفانه امروزه فاصله گسترده میان روحانیت و نسل جوان مانع از آن شده که جوان بتواند دین را آن‌گونه که شایسته است، به صحنه زندگی بکشد و اگر روحانی‌ها بتوانند با درک جوانان و مشکلات آنان و همگن کردن نوع تبلیغ دین با وضعیت روز به یاری نسل جوان بشتابند، آینده جامعه را بیمه خواهند کرد و اگر چنین نشود، باید منتظر فاجعه بود.

○ فرامرز، دانشجوی رشته حقوق که در دانشگاه آزاد مشهد اشتغال به تحصیل دارد، تعریف ویژه‌ای از جوان دارد. او معتقد است که جوان یک شخصیت آماده فعالیت است که می‌خواهد جامعه را آن‌طور که خود می‌خواهد جهت دهد و این تعریف را حاصل گفتگوی خود با دوستانش می‌داند. این دانشجوی جوان می‌گوید: جوان امروز در جامعه با مشکلاتی مواجه است، البته با اراده و تفکر و استقامت می‌توان بسیاری از این مشکلات را تحمل کرد، اما استرس‌های روحی و فردی و بحران‌های اجتماعی، بسیاری را همین مشکلات به جوان تحمیل می‌کند.

○ وی می‌افزاید: طبقاتی شدن جامعه و اختصاص یافتن زمینه‌های رشد اجتماعی به طبقه مرفه و ثروتمند خطرناک‌ترین پدیده‌ای است که نسل جوان با آن روبروست، چه آنکه یک جوان که طبعاً خام و بی‌تجربه هم هست، این احساس در او مهیّا خواهد شد که ثروت اساس

هروقت موقع رأی‌گیری‌ها می‌رسد، همه سنگ جوان را به سینه می‌کوبند، اما انتقابات که تمام می‌شود، گویا جوان‌ها هم پیر می‌شوند!



زندگی است. البته اگر در این مسیر از نقش دین درست استفاده شود، دین می‌تواند یک تفکر ارزشی و اصولی را در جوان شکل دهد و او را از سقوط در بیراهه‌ها، انحراف‌ها و ... نجات دهد و در این میان مسؤلیت اصلی متوجه اندیشمندان فکری و روحانیت دینی است. از او می‌پرسم آیا روحانیت در این راه موفق بوده‌است؟ می‌گوید: البته با توجه به وضعیت فرهنگی جوامع صنعتی و یا حتی جوامع جهان سوم، از وضعیت قابل قبولی برخورداریم و این نشان دهنده تلاش روحانیت است، اما این انتظار از روحانیت وجود دارد که تلاش و حضور محسوس‌تری در میان نسل جوان داشته باشند تا به یک تفاهم عقلانی با نسل جوان جامعه برای غلبه بر بحران‌های فکری و فرهنگی نایل آیند و به این منظور روحانیت باید در مقابل بی‌مهری‌ها مقاومت نمایند، چون عده‌ای در تلاشند که این طبقه فکری را از نسل جوان جامعه دور نگه دارند.

○ در یک مؤسسه صوتی - تصویری (ویدئوکلپ) به سراغ چند نوجوان و جوان که در حال خرید چند حلقه نوار خام ویدئویی هستند، می‌روم. سلامی و خوش‌وبشی می‌کنم و موضوع کار و گزارشم را مطرح می‌کنم. این سه جوان

آرمان، امید و عماد نام دارند. آرمان پوشش و حرکات متمایزی از دو دوست دیگرش دارد و اصرار دارد به شیوه‌ای خاص خود صحبت کند تا جلب توجه نماید. خودش می‌گوید که دو سال است ترک تحصیل کرده و از جیب بابا می‌خورد. نظرات ویژه‌ای نیز دارد و خیلی صریح می‌گوید: جوان، نمی‌دونم جوونی یعنی بدبختی، سیاهی، نکبت و ... این را او می‌گوید، و من با تعجب می‌پرسم:

● تعریف جالبه، از کدام فرهنگ استفاده کرده‌اید؟

این برداشت شخصی من و حاصل تجربیات فردی من است! ما جوان‌ها از همه سو مورد تحقیر و سؤال و جواب قرار می‌گیریم. خانواده، جامعه و بالاخره اگر برای یک قضیه بیش پافتاده، این نمی‌دونم بسیجی‌ها یا امر به معروفی‌ها و ... بهت گیر بدهند که واویلا.

● مثلاً چه موضوع کوچکی؟

ببینید الان تلویزیون داخلی که تهوع آور است. بیرون هم که امکان تفریح وجود ندارد، حُب من دوماهه که یک آنتن ماهواره گرفته‌ام و در این دو ماه با پدرم میانمون شکرابه! که چی؟ بابا قدیمی و سنتی فکر می‌کند!

● شما چه کار کردید؟

از خونه بیرون زدم و با دوستانم مجرّدی زندگی می‌کنیم، البته خرجمون رو بابا به طوری می‌رسونه!

● چه انتظاری از روحانیت دارید؟

هیچی، فقط می‌خواهیم یک فکری برای تفریح و سرگرمی ما جوان‌ها بکنند تا ما توی خیابان‌ها پلاس نباشیم، البته هروقت موقع رأی‌گیری‌ها می‌رسد، همه سنگ جوان را به سینه می‌کوبند، اما



انتخابات که تمام می‌شود، گویا جوان‌ها هم پیر می‌شوند!!

○ در یکی از کتابفروشی‌های محلات مرقه مشهد، با چند خانم جوان که خود را دانشجو معرفی می‌کنند، به گفتگو می‌نشینم. موضوع گفتگو را طرح می‌کنم و وقتی به این موضوع می‌رسم که انتظار شما به‌عنوان یک جوان از روحانیت چیست؟ یا تعجب می‌پرسند؟ چه اتفاقی افتاده است که شما می‌خواهید انتظارات ما را از روحانیت بنویسید؟ می‌گویم: مگر چه اشکالی دارد و چه جای تعجب است؟ یکی از آنان که خود را «ندا» معرفی می‌کند، می‌گوید: آخر رسم بر این است که همیشه جوان فقط مؤاخذه می‌شود و تنها می‌تواند بشنود که فلان کار را بکن و فلان نکن، حرف هم که می‌زنی، می‌گویند: جوانی، کلمات خام است، نمی‌فهمی، غرب‌زده‌ای و هزار تا انگ دیگر. وی ادامه می‌دهد، به نظر من با توجه به تغییراتی که در طول چند دهه گذشته در جامعه ما به‌وجود آمده، روحانیت نتوانسته است خود را هم‌زمان با جامعه به‌پیش حرکت کند و هنوز بسیاری از روحانیانی که باید مصداق و مرجع مسائل و مشکلات ویژه جامعه با شرایط امروز باشند، همان افکار چند دهه پیش بر آنها حاکم است. این خانم جوان ادامه می‌دهد: کوچک که بودم، در همسایگی ما یک روحانی زندگی می‌کرد که آدم باسواد و متفکری بود. هم‌زمان به تربیت بچه‌ها و آداب معاشرت جمعی و ... نیز اهمیت می‌داد، لذا من با خود می‌گفتم، اگر با یک روحانی ازدواج کنم، خوشبخت خواهم شد، اما وارد دبیرستان که شدم و نیز در دانشگاه با چند دبیر و استاد روحانی

این انتظار از روحانیت همود دارد که تلاش و مضور ممسوس‌تری در میان نسل جوان داشته‌باشند تا به یک تفاهم عقلانی با نسل جوان جامعه برای غلبه بر بمران‌های فکری و فرهنگی نایل آیند و به این منظور روحانیت باید در مقابل بی‌مهری‌ها مقاومت نمایند، چون عده‌ای در تلاشند که این طبقه فکری را از نوبل جوان جامعه دور نگه‌دارند.



که سخت‌گیری‌ها و به‌خوردگی‌های ویژه‌ای داشتند، مواجه شدم و مسیر افکارم عوض شد و الآن از دیدن یک روحانی زیاد خوشحال نمی‌شوم.

○ حمیدرضا جوادی دیپلمه نظام جدید است و در انتظار رقابت کتک‌خور با دیگرهمگنان خود است. او می‌گوید: جوان ویژگی‌هایی داراست که ناشی از گذر از نوجوانی و رسیدن به مرز بلوغ اجتماعی است و طبعاً در این سن استعدادها و قدرت جوان بروز می‌کند و آینده شخصیت فرد نیز در همین ایام شکل می‌گیرد، لذا برخلاف کسانی که معتقدند با پای‌گذاشتن فرد به سن جوانی باید آزادی بیشتر به فرد داد، من بر این باورم که جوان به اقتضای همان جوانی و جهت هدایت استعدادها و انرژی او در سیر مناسب، نیاز به مراقبت بیش‌ازپیش دارد، وی ادامه می‌دهد: البته نسل جوان با مشکلاتی مواجه است، اما باید توجه داشت که در همه جوامع این مشکلات وجود دارد و به‌نظر من جریانی سعی دارد از این حساسیت‌ها جهت دورکردن جوان

از اندیشه‌های دینی و ارزشی استفاده کنند، لذا این‌گونه عنوان می‌کنند که این‌همه مشکلات ناشی از حضور روحانیت در صحنه سیاست است. البته ما جوانان نیز از روحانیت انتظار داریم که اجازه ندهند خرد سیاسی نسل جوان جامعه به بازی گرفته شود و این تنها با آمدن روحانیون به‌میان توده نسل جوان و ایجاد ارتباطی صمیمی و پویا ممکن و میسر است. کیوان، دوست حمیدرضا که به‌دقت به صحبت‌های او گوش می‌دهد، ضمن تأیید حرف‌های دوستش می‌افزاید: اصولاً ما جوانان هیچ مشکلی با روحانیت نداریم و برعکس جوانان تشنه حرف‌های نو و تازه هستند و چه بهتر که این حرف‌ها از زبان روحانیت دینی ما باشد. وی ادامه می‌دهد: تجربه‌های تاریخی نشان داده‌است در هر حادثه و جریانی که ارتباط میان روحانیت و نسل جوان جامعه مستحکم بوده‌است، امور یا موفقیت بیشتری پیش رفته‌است و نمونه آن انقلاب اسلامی است که با رهبری روحانیت و اراده جمعی جوانان جامعه به‌وقوع پیوست. کیوان اضافه می‌کند که: از سویی نیز روحانیت در مواجهه با نسل جوان کمی واقع‌بین‌تر باشند چون جوان به‌خاطر روحیه جوانی نیازمند نشاط، شادابی و تنوع است و ممکن است گاه افرادی از جوانان پوشش و یا کارهایی کمی غیرمعمولی انجام دهند و این ضرورتاً به این معنی نیست که آنان به ستیز و مبارزه با دین برخاسته‌اند، بلکه باید برای جهت‌دادن به این روحیه، زمینه‌های طراوت و شادابی سالم و صحیح را مهیا نمود، چه در غیر این صورت، یا جوان به بیراهه خواهد رفت و یا



جامعه به مرده‌ای شبیه خواهد شد که هیچ تحرک زنده‌ای ندارد. وی اضافه می‌کند که: جوان کمی دمدمی مزاج است، اما وقتی پای اصول در میان باشد، به آن پایبند می‌ماند و الآن غالب جوانان به این امر واقفند که دین نقش اساسی در سلامت فردی و اجتماعی زندگی امروزه دارد و افرادی که رابطه عقلانی با مذهب دارند، کمتر به خرافکاری‌هایی - حتی جزئی - مثل سیگار کشیدن و ... روی می‌آورند.

○

خانم رؤیا غ. و سیمام. هردو دانشجوی روانشناسی هستند و می‌گویند که به مذهب علاقه شدید دارند و مذهبی هستند، اما معتقدند که آموخته‌های مذهبی جامعه، گاه‌وبیگاه با سلیقه‌ها و برداشت‌های شخصی خشک آمیخته شده‌است و این عامل در نهایت باعث دین‌گریزی نسل جوان شده و خواهد شد، با این حال این دو خانم جوان، بر این باورند که روحانیت با وجود فرازونشیب‌هایی که داشته و ناشی از حضور آنان در مسائل سیاسی و ... «که همیشه این حضورها آمد و می‌آید» داشته‌است» هنوز هم از تأثیرگذارترین افراد در شکل‌گیری عقاید، افکار، باورها و رفتارهای اجتماعی جامعه و نسل جوان و نوجوان آن هستند. رؤیا می‌گوید: آقا، شمارا به خدا بنویسد که روحانی‌ها تحت تأثیر القانات و تبلیغات دیگران، جوانان را به حال خود رها نکنند، الآن رویکرد گسترده جوانان به اعتیاد و فرار از خانه، از مشکلات اساسی خانواده‌هاست و باید به فکر چاره بود. وی انتظار دارد که از سوی بزرگان حوزه مراکز مشاوره‌ای در سطح

شهرها ایجاد شود و روحانیتی که هم به مسائل دینی و شرعی وقوف کامل داشته‌باشند و هم با علومی مثل روانشناسی آشنایی داشته‌باشند، در این مراکز پاسخگوی نیازها و مشکلات روحی و فکری نسل جوان جامعه باشند.

سیمام، دیگر خانم دانشجوی روانشناسی بحث دوستش را پی می‌گیرد و می‌گوید: در دانشگاه‌های ما، نظرات مختلفی درباره دین ارائه می‌دهند، بعضی می‌گویند، دین در طول تاریخ زندگی بشر همیشه چراغ هدایت او بوده‌است و توجه به مقررات دینی را ضروری می‌دانند، در مقابل، بعضی مفیدبودن دین را قبول دارند، اما قرائتی را که روحانیت سنتی از دین ارائه می‌دهد، نمی‌پذیرند و نگرش خاص خود را از دین دارند و عده‌ای هم دین را خصوصاً به شکل حکومتی سد راه پیشرفت جامعه می‌دانند و این‌گونه عنوان می‌کنند که دین برای رفتارها و کارکردهای فردی مناسب است، اما هرگاه باورهای دینی بر سیستم اداری جامعه‌ای استیلا داشته، آن جامعه از دیگر جوامع همگن و هم‌نوع خود عقب مانده‌است. وی می‌افزاید: البته به نظر شخص من، دین عامل مؤثر و مثبتی در وحدت افراد جامعه و جلوگیری از تشتت و درگیری‌هاست و می‌تواند اساس جامعه را در مقابل کج‌روی‌ها محفوظ دارد، اما متأسفانه دو دیدگاه آخری که عرض کردم، در میان نسل جوان خصوصاً دانشگاهی نفوذ کرده‌است، لذا روحانیت اگر به فکر دفاع از ارزش‌ها و آرمان‌های دینی است، باید هرچه زودتر به فکر چاره باشد. خصوصاً با توجه به اینکه سال‌هاست حضور روحانیت در مسائل سیاسی و

اما باید توجه داشت که در همه جوامع این مشکلات وجود دارد و به نظر من چرایی سعی دارد از این مناسبت‌ها جهت دورکردن جوان از اندیشه‌های دینی و ارزشی استفاده کنند، لذا این‌گونه عنوان می‌کنند که این همه مشکلات ناشی از مضمور (رومانیت در صحنه سیاست است. البته ما جوانان نیز از (رومانیت انتظار داریم که اجازه ندهند فرد سیاسی نسل جوان جامعه به بازی گرفته‌شود



آقا، شما را به فدا بنویسید که رومانی‌ها تمت تأثیر القائنات و تبلیغات دیگران، جوانان را به مال خود رها نکنند، الآن رویکرد گسترده جوانان به اعتیاد و فرار از خانه، از مشکلات اساسی خانواده‌هاست و باید به فکر چاره بود.



دیگر دغدغه‌ها باعث شده‌است تا حضور فکری آنان در میان نسل جوان کم‌رنگ شود.

○

«فراتی» یک جوان پشت‌کنکوری دیگر است که به قول خودش چند سال است، یکی از صندلی‌های کنکور را در اجاره دارد و تنها آرزوی قبول شدن در رشته پزشکی تهران است، اما هر سال هم که می‌گذرد، چند سال نوری بر فاصله میان جوانانی مثل او و صندلی دانشگاه افزون‌تر می‌شود. این جوان جویای نام و نسبتاً جدی نیز نظرات ویژه خود را دارد.

جوان یعنی فرد در مرحله‌ای از زندگی است که سرشار از توان، انرژی و احساسات است، از سویی نیز دنبال این است که سری میان سرها داشته باشد و جویای نام است.

● مراد شما چیست؟ یعنی جوان چگونه می‌خواهد خود را مطرح کند؟ ببینید، افراد راه‌های مختلفی را در پیش دارند، بعضی تنها راه خوشبختی را در تحصیلات عالی می‌دانند، بعضی هم راه‌های دیگری را تجربه می‌کنند و در این میان هم عده‌ای عجله دارند و می‌خواهند راه صدساله را یک‌شبه طی کنند، لذا گاه

به خلافت‌کاری‌ها و ... کشیده می‌شوند و کارهای عجیبی می‌کنند.

● خود شما چه راهی را در پیش گرفته‌اید؟

من خودم معتقدم که تحصیلات عالی، ارزشی است که هیچ چیز دیگری نمی‌تواند جایگزین آن باشد اما افراد نگرش‌های خاص خود را دارند و در شرایط ویژه خود هستند. لذا نباید افراد را باهم مقایسه کرد.

● فکر می‌کنید مشکلات اصلی جوان امروز چیست؟

به نظر من دغدغه آینده مشکل اصلی جوان است که گاه منجر به بروز بحران‌های فکری و روحی در افراد نیز می‌شود.

● نقش دین در حل این بحران‌ها چیست؟

فکر می‌کنم ارتباط با دین طبیعتاً انسان را در این جهت هدایت می‌کند که همیشه امیدوار به آینده باشد و هیچ‌وقت به بن‌بست نرسد. اما مشکل عمده در این جاست که روحانیت به‌عنوان کسانی که باید بستر مناسب در دینداری و دینمداری را مهیا کنند، از جاذبه و دافعه اصولی برخوردار نیستند و همین هم باعث شده‌است که گستره و شعاع دین از حالت تعادل بیرون آید و به مثلاً بهشت و جهنم صرف محدود گردد.

● انتظارتان از روحانیت چیست؟

همان خارج کردن دین از سطحی‌نگری و معرفی جهات مختلف دینداری با برداشت روانشناسانه و جامعه‌شناسانه و توجه کردن به جاذبه‌ها، ببینید الآن بحث موسیقی را دقت کنید، هنوز این مسأله برای من حل نشده‌است



شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



که وجه شرعی موسیقی چیست و یا اشکالش در چیست؟ درحالی که موسیقی جذبه خاص خود را داراست، از سویی نیز اصولاً اگر نگرش روحانیت این باشد که جوان چیزی نمی فهمد و با این دیدگاه به سراغ جوان برود، حاصلی جز انفعال و رویگردانی جوان از روحانی در پی نخواهد داشت.

«تحقیقی» دانشجوی اجتماعی دانشگاه مشهد در برداشت خود از جوان می گوید: من نیز به پیروی از جو حاکم همان تعریف کلیشه ای را از جوان دارم. یعنی قرارگرفتن فرد در یک موقعیت خاص سنتی و با انتظارات و ویژگی های خاص خود مثل پویایی، نقادی، پرسشگری و درعین حال بی تجربه ای و خامی و احساسی بودن. وی می افزاید: البته به بخشی از این ویژگی ها توجه نشده و مشکلاتی را در پی داشته است، مثلاً چون روح نقادی جوان کمالیزه و جهت دهی نشده، منجر به کشیده شدن جوان به برخوردهای انفعالی و پرخاشگری شده است. وی مشکلات ناشی از نگرش های مختلف به دین را مشکل اصلی جوان امروز می داند و می گوید:

واقعیت این است که جوان امروز در یک بازار آزاد، عرضه انواع و اقسام اطلاعات و باورها قرار دارد، لذا در این عرصه، استفاده از امکانات بیشتر، قدرت نفوذ بیشتر در القای اهداف را در پی خواهد داشت. از سویی نیز بعضی از دست اندرکاران امور فکری و دینی هیچ وقت سعی نکرده اند وارد یک گفتگوی بی طرفانه و جدی با نسل جوان

جامعه شوند و اگر گفتگویی نیز بوده است، همیشه از موضع برتر و با این پیش فرض بوده است که جوان فهمش ناقص است. وی ادامه می دهد: من فکر می کنم کسی نباید خود را متولی رسمی دین بداند و دیگران را خارج از میدان اندیشه و دینی نگه دارد. وی می گوید: ما انتظار داریم که روحانیت بپذیرد که معرفت دینی می تواند با توجه به منابع و مراجع مختلف شاخه های مختلفی داشته باشد. البته نمی خواهم دیدگاه بعضی از دگراندیشان را بپذیرم، اما واضح است که بعضاً از دین به عنوان عامل و اهرم در راستای سلیقه های شخصی بهره برداری می شود و این عامل باعث بروز بحران در عرصه اندیشه جامعه شده است.

«امیر فخریان» یکی دیگر از دانشجویان علوم اجتماعی مشکلات فرهنگی را عمده ترین مشکل و دغدغه جوان امروز می داند و می گوید: این مشکل فرهنگی ناشی از شرایط ویژه انتقال جامعه از ایده های سنتی به تفکر تکنولوژیکی (ماشینی) است که منجر به نوعی تضاد ارزشی حاکم بر دو نسل شده است و یا به عبارت دیگر با گسست فرهنگی مواجه شده ایم. وی درباره نقش دین در از بین بردن این تضاد ارزشی می گوید: بحث درباره نقش دین در مسائل منوط به این است که ما چه تعریف و چه برداشتی از دین داشته باشیم و یکی از مشکلات اساسی ما، تعریف ها و برداشتهای متفاوت و یا حتی متضاد از دین و مبانی دینی است، مثلاً در ذهن شخص من تصاویر متفاوتی از دین متأثر از القائات خانواده، مدرسه، جامعه و

جوان کمی دمدمی مزاج است، اما وقتی پای اصول در میان باشد، به آن پایبند می ماند و الآن غالب جوانان به این امر واقفند که دین نقش اساسی در سلامت فردی و اجتماعی زندگی امروزه دارد و افرادی که رابطه عقلانی با مذهب دارند، کمتر به فلافکلهای - مٹی مٹی - مثل سیکارکشیدن و ... (وی می آورند).



دانشگاه وجود دارد.

وی درباره انتظار خود از روحانیت می گوید:

روحانیت باید با دوری از عوامزدگی و تطبیق دادن خود با نیازها و ضرورت های روز به پرکردن خلأها و گسست های فرهنگی موجود بپردازد و برای این کار، روحانیت باید با نزدیک شدن به محیط های دانشگاهی و پرهیز از افراط و تفریط به آینده نسل جوان جامعه اهمیت بیشتری بدهد.

وی می افزاید: آنچه مهم است، این است که دین و فرهنگ ما قدرت پرورش و تربیت اصولی نسل جوان را دارا است، اما اینکه بتوان از این پتانسیل استفاده کرد یا نه، بستگی به واقع نگری و اراده جمعی متفکران و دست اندرکاران امور فرهنگی خصوصاً روحانیت در شناخت نیازها و ضرورت های نسل جوان و ارائه کارکردهای مناسب دارد چه آنکه در صورت رعایت نکردن تمام فاکتورهای ضروری نه تنها کارکردها موجب گسترش اندیشه دینی نخواهد شد، بلکه متعجبانه دین گریزی بیشتر نسل جوان خواهد شد.